

آفتاب یزد – **گروه فرهنگی**: گزارش امروز را با طرح چند پرسش مهم آغاز می‌کنیم. پرسش‌هایی که از همین ابتدا موضوع آنچه در این نوشتار می‌خواهیم به آن بپردازیم را مشخص می‌کند.

- نام اولین کتابی که در زندگیتان خواندید را به یاد می‌آورید یا موضوعش به خاطرتان مانده‌است؟
- نام آخرین کتابی که در زندگیتان خواندید چطور؟ یا حتی بخشی از داستان آن.
- بهترین کتابی که خواندید، نامش چه بود؟
- در طول سال چند کتاب می‌خوانید؟
- تا به حال پیش آمده که کتابی را از کتابفروشی خریده باشید یا از دوستی امانت گرفته باشید و هنوز آن را نخوانده باشید؟
- چقدر مشتاق مطالعه کتاب هستید؟
- وقتی یک کتاب را در دست می‌گیرید چه حسی به شما دست می‌دهد؟
- چند کتاب در کتابخانه‌خانه خودتان دارید؟
- چه نوع کتابهایی را دوست دارید؟
- اگر کسی در اطرافیتان باشد که به مطالعه اهمیت زیادی بدهد و بخشی از زندگی‌اش را صرف خواندن کتابهای مختلف بکند، سعی می‌کنید با او مراودات بیشتری داشته باشید یا کمتر؟

- هنگامی‌که‌از مقابل یک کتابفروشی عبور می‌کنید یا احتمالاً بساط دستفروشی کتابی را در خیابان می‌بینید که به کتابهایش حراج زده و آنها را با قیمتی ارزانتر از قیمت واقعی شان عرضه می‌کند، آیا وسوسه می‌شوید که یکی دو نسخه از آن کتابها را خریداری کنید؟
- اگر اهل مطالعه باشید در طول روز چقدر از زمان خودتان را صرف خواندن کتاب می‌کنید؟
- در تربیت فرزندانتان چقدر آنها را به مطالعه کتاب تشویق می‌کنید؟
- اگر کسی در مترو، اتوبوس و جاهای پرجمعیت فارغ از همه مباحوها سرش داخل کتابی باشد و مشغول مطالعه آن، شما به عنوان یک شهروند بیشتر به آن بیاهواها توجه می‌کنید یا به آن شخص؟
- از میان کتابهای مشهور چند تایشان می‌توانید را نام ببرید؟ از میان نویسندگان مشهور چطور؟
- بیشتر به رمان و شعر علاقه دارید یا کتابهای روانشناسی و فلسفی؟
- اگر ببینید چند جلد کتاب در گوشه‌ای از پداه رو (مثلا کنار سطل آشغال) رها شده‌اند، چه می‌کنید؟
- فرض کنید اوضاع اقتصادی خوب است، در آن صورت چقدر از درآمد ماهیانه خودتان را به خرید کتاب اختصاص می‌دهید؟
- به نظر شما یک کتاب خوب باید چه خصوصیاتی داشته باشد؟
- اینکه برخی می‌گویند «من حوصله و وقت کتاب خواندن ندارم»، چه معنی می‌دهد؟
- اگر اهل مطالعه باشید و به قول معروف یک کتابخوان حرفه‌ای به حساب بیایید، با چه قصد و نیتی یک کتاب را به دست می‌گیرید و آن را مطالعه می‌کنید؟
- اگر احساس کنید کتابی که مشغول آن هستید تا نیمه‌هایش چیز دندان‌گیری نصیبتان نکرده و به قولی خسته‌کننده باشد آیا خواندن آن را رها می‌کنید یا به مطالعه‌اش ادامه می‌دهید؟
- تا به حال پیش آمده پس از پایان مطالعه یک کتاب با خودتان بگویید: «عجب چیز مزخرفی، حیف‌وقت که حرومش کردم»

اگر بخواهیم تمام پرسش‌های مطرح شده در این گزارش را در یک جمله خلاصه کنیم آن می‌تواند چنین جمله‌ای باشد

کتاب در زندگی ما چه نقشی دارد؟

اگر به گذشته‌های دور برگردیم و رویوش را ببویشم و کیف مدرسه را روی دوش مان ببندازیم و با چه سربص با بدقه‌های مادر برای ما مفید بودند و این مفید بودن از همان نیمکت‌های کلاسهای درس بنشینیم، پادمان خواهد افتاد هنگامی که معلم وارد کلاس می‌شد بعد از حضور و غیاب اولین جمله‌ای که مطرح می‌کرد این بود:

بچه‌ها دفترهای مشق و کتاب هاتون رو روی میز بگذارید.

این‌ها خاطره تاریخی که در ذهن ما شکل گرفته است به ما نشان می‌دهد کتاب در زندگی ما نقش مهم و ارزنده‌ای داشته است. به صورتی که از دوران کودکی همراه ما چه در کلاس‌های درس و چه در خانه بوده و همیشه سعی داشته در رسیدن به شرایط بهتر در زندگی یاری مان کند. چرا که همیشه کتاب در درون خود چیزهایی داشته که بدون شک و تردید تک‌تکشان برای ما مفید بودند و این مفید بودن از همان اوان کودکی به ما ثابت شده است. همان زمان‌ها که خواندن و نوشتن نمی‌دانستیم و این کتابها یا یک کمک معلم هایمان هم خواندن را ما ما موختند و هم نوشتن را پس از آن بود که ما یاد گرفتیم بنویسیم «بابا آبا داد» و بخوایم «انا ااراد دار» اما با گذشت زمان و بزرگ شدن تدریجی هر کدام از ما اتفاق عجیب و غریب و غم‌انگیزی شروع به رخ دادن کرد. اتفاقی که به این دلیل که آرام آرام به وقوع پیوست، هیچکدام از ما متوجهش نشدیم. اتفاقی تحت عنوان «حور شدن از کتاب و کتابخوانی»

هر چه زمان گذشت و ما بزرگتر شدیم این فاصله بیشتر شد و بر بیره نیست اگر بگویم تمام علت پیدایش و افزایش روز به روز این فاصله خود ما بودیم. مایی گرفته رفته مسائل و موضوعات دیگر که جذابیت بیشتری برایمان داشتند را جایگزین کتاب کردیم و آنقدر این جایگزینی‌ها را گسترش دادیم که زمانی فرا رسید که دیگر هیچ جایی برای کتاب در زندگیمان باقی نماند.
ما این اقدام را انجام دادیم اما هیچگاه از خودمان پشیمانیدیم که چیزهایی که آنها را جایگزین کتاب

چرا کتاب نمی‌خوانیم؟



کردیم چه منفعت‌هایی برایمان به ارمان آورده‌اند و چون به این موضوع دقت نکردیم و البته پیش از آن هم به فواید کتاب و کتابخوانی هم دقت نکرده بودیم، به ساده‌ترین شکل ممکن به این جالبجایی تن دادیم و پذیرفتیم که انجام شوند و اینگونه بود که کتاب از زندگی ما رخت برپست و جایش را با مسافتی دیگری مانند فضای مجازی، بازی‌های کامپیوتری و متن‌های کوتاه داد. دقیقاً از همان زمان بود که برخی در مواجهه با این پرسش که در طول روز چقدر کتاب می‌خوانی از پاسخ کوه‌ها «من حوصله و وقت کتاب خواندن ندارم» استفاده کردند. این در حالی بود که در دوره زمانی خاصی که به عنوان پلی میان گذشته و آینده قلمداد می‌شد، همه ما می‌توانستیم طور دیگری رفتار کنیم تا نه تنها کتاب و مطالعه آن در میان زندگی مان باقی بماند، بلکه به عنوان اصلی تفکیک ناپذیر از زندگی ما به حساب بیاید. به طوری که با هزاران متقاضی هم نشود آن را از ملزومات حیاتی مان جدا کرد، می‌توانستیم وجود کتاب را همچون نان شب در خانه هایمان تثبیت کنیم و اینگونه فرهنگ مطالعه را در میان خانواده هایمان به عنوان امری اجتناب ناپذیر جا بیندازیم تا فرزندانمان هم بدانند که کتاب چه مسئله مهم و تاثیر گذاری است که به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را از زندگی حذف کرد. اما در عمل ما چه اقدامی انجام دادیم؟ کتابها را بستیم و در کتابخانه‌ها باقی گذاشتیم تا خاک بخورند، از کنار کتابفروشی‌ها که می‌گذاشتیم انگار که درایم به آراکوریوم ماهی‌ها می‌نگریم نمی‌درنگ می‌کردیم و پس از آن عبور کرده و می‌رفتیم. کار به جایی رسید که کتاب دیگر به عنوان کالای لازم و ضروری در زندگی محسوب نمی‌شد و در عوض حتما باید اینترنت ماهانه مان را شارژ می‌کردیم تا شب هنگام که به خانه برمی‌گشتیم بتوانیم داخل تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب چرخ بزیم تا بلکه قلابمان به دهان دوستی مجازی گیر کند تا بتوانیم بر تعداد رفیقان نادیده مان بیفزاییم. در حالیکه از همان دوران کودکی به ما آموخته بودند که یار مهربانمان چه کسی است. این رفتارها باعث شد که فرزندانمان هم به تقلید از ما به جای آنکه هر کدام کتابی را در دست بگیرند در زمانهای خاصی از شبانه روز به مطالعه آن اهتمام ورزند، یک گوشی به دست گرفته و در کنج عزلتی در اتاق به یافتن دوستان جدید مجازی مبادرت ورزند. اینها البته تنها مضرات کنار گذاشتن کتابها نبود، چرا که هنوز در خاطرمาน مانده پلادهای سالیان گذشته را که همه دور هم جمع می‌شدند و بزرگ خانواده دیوان حافظی را به دست می‌گرفت و تقالی بر آن می‌زد و اینگونه شرایطی را فراهم می‌کرد که اهالی خانواده و حتی فامیل دور هم جمع شوند تا مفا و صمیمیت در میانشان بیشتر و بیشتر شود، اما روزگار اکنون با به حاشیه رفتن کتاب و مطالعه هر کسی به تنهایی مراسم‌های سنتی و باستانی را برای خود فریب می‌گرفت و به جای جمع شدن افراد فامیل در کنار یکدیگر، این گوشی‌های موبایل بودند که از طریق سیم‌ها و برنامه‌های ثارمی موجب دور هم جمع شدن دوستان مجازی که حتی یکبار هم یکدیگر را ندیده بودند، فراهم می‌آوردند.

وضعیت بحرانی ایران از لحاظ سرائه مطالعه

زمان گذشت و زمانه نیز هم. در این میان برخی به هر طریقی بود سعی می‌کردند حداقل به اندازه سهم خودشان فرهنگ مطالعه را در جامعه زنده نگه دارند و اجازه ندهند کتاب‌ها فقط به عنوان کالای تشریفاتی و لوکس در داخل کتابخانه‌ها باشند

گزارشی درباره فقر اطلاعاتی جامعه درحوزه مطالعه

چرا کتاب نمی‌خوانیم؟

و فقط به درد زیبا کردن دیزاین خانه بخورند. آنها هر طور که شده بود کتاب تهیه می‌کردند، می‌خواندند و دست‌آخر برای اینکه زنجیره مطالعه کتاب قطع نشود آن را به شخص دیگری هم می‌دادند تا او هم مطالعه کند و به شخص دیگری بدهد. از همان زمانها هم بود که ماجرای طرح اهدای کتاب یا کتابخوانی همگانی باب شد و در برخی از نقاط شهر مرکزی ایجاد شد که هر کس دوست داشت کتاب یا کتابهایی را که خوانده بود به آنجا می‌برد و تحویل می‌داد و اگر کتابی در آنجا می‌یافت که نخوانده بود آن را می‌گرفت و می‌خواند و بدین صورت به فرهنگ مطالعه کتاب رونق و رواج بیشتری می‌یافت و هم فرهنگ خوب و پسندیده اهدا کتاب. اما این اقدام در مقابل عدم همراهی اکثریت جامعه در ماجرای کتاب و کتابخوانی خیلی نمی‌آمد چرا که بیشتر مردم به قول معروف دیگر کتاب را تحویل نمی‌گرفتند و جایش را با چیزهای دیگری که هیچ نفعی هم برایشان نداشت پر کرده بودند. هر کدام از این فقر اکثریت هم دلایل خاص خود را برای عدم تمایل به خرید و مطالعه کتاب بیان می‌کردند. مثلا عده‌ای مسائل اقتصادی را براهه می‌گفتند «راین وانفسای تورم افسارگسیخته همین که بتوانیم شکم زن و بچه هایمان را سیر کنیم باید کلاهمان را به آسمان بیندازیم، اگر بخواهیم هم نمی‌توانیم کتاب بخیریم و بخوانیم چرا که نه پولش را داریم و نه حوصله و زمانش را. زندگی مان آنقدر چاله چوله دارد که هنوز سر ماه شده کلی قسط باید پرداخت کنیم. تازه هدیه که اینهمه در گیر و مشغله مسائل مختلف را دارد چگونه می‌تواند فرصتی پیدا کند تا با فراغ مال کتاب بخواند؟» منصفانه هم اگر بنگریم تا حد زیادی حق با آنها بود. برخی مسائل باعث شده بود که کتاب و مطالعه به اجبار از زندگی برخی از افراد کنار گذاشته شود چه بسا که آنها خیلی هم دوست داشتند کتاب بخوانند، اما هم به لحاظ مسائل اقتصادی و هم به لحاظ مسائل ذهنی و معیشتی توانایی و قدرت انجام این کار را نداشتند.

علل کاهش سرائه مطالعه

اما پیش از آنکه به بررسی دلایل کاهش سرائه مطالعه در کشورمان بپردازیم اجازه دهید با عبارت دو کلمه‌ای «سرائه مطالعه» آشنا شویم و سپس به بررسی علل کاهش آن بپردازیم. مهم‌ترین تعریف از سرائه مطالعه میانگین مدت زمان‌های مطالعه یک نفر در یک شبانه روز است. اما لزوما همیشه این تعریف صادق نیست و می‌توان به جای مدت زمان، از تعدد کتاب‌های خوانده‌شده یا تعداد صفحات خوانده‌شده در طول روز نیز برای تعریف سرائه مطالعه بهره برد. در ساده‌ترین حالت می‌توان میزان مطالعه افراد یک جامعه در یک مدت زمان با هم جمع نمود و به تعدد افراد آن جامعه و تعداد روزهای در نظر گرفته‌شده تقسیم‌کود. برای اندازه‌گیری، یک جامعه آماری در نظر می‌گیرند؛ متوسط مطالعه در آن جامعه را محاسبه نموده و به تمام جامعه تعمیم می‌دهند. البته عوامل دیگری نیز همچون تیزاز کتاب‌ها بر اندازه‌گیری سرائه مطالعه اثر دارد. پایین بودن سرائه مطالعه بر تولیدات فرهنگی و نویسندگان نیز به صورت عارضه و تقاضای می‌گذارد. حال که به طور خلاصه با مفهوم سرائه مطالعه آشنا شدید به معرفی دلایل کاهش آن در سطح جامعه می‌پردازیم.

- مسائل فرهنگی**: قطعا مسائل فرهنگی در پایین بودن میزان مطالعه در ایران نقش اساسی ایفا می‌کنند. اما پرسشی که در این بین مطرح می‌شود این است که آیا فقط مسائل فرهنگی کتابخوانی است که باعث پایین بودن سرائه مطالعه در ایران است؟ آیا تمام عوامل به بی‌توجهی ایرانیان به کتاب خوانی ختم می‌شود؟ به نظر بسیاری از کارشناسان، مسائل دیگری نیز وجود دارد. که باعث می‌شود پدیده «کتاب نخوانی» گسترش پیدا کند. مسائلی که به شیوه‌های مدیریتی و محدودیت‌های دولتی که در این مورد وجود دارد بی‌ارتباط نیست.

- وضعیت نابسامان کتابخانه‌های عمومی: آمارهای تعدد کتابخانه‌های عمومی در کشور نشان‌دهنده وضعیت نامناسب این بخش از فرهنگ کشور است. کتابخانه‌های عمومی ایران با کمبود کتاب جدید روبرو هستند. تمایل به عضویت در این کتابخانه‌ها و مراجعه به آنها نیز بسیار اندک است. مطابق سند چشم‌اندازی که سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی را مشخص می‌کند، اعضای کتابخانه‌های عمومی ایران باید تا سال ۱۴۰۴ به ۲۰ میلیون نفر رسیده باشد. برای رسیدن به چنین موقعیتی لازم است استفاده‌کنندگان از کتابخانه‌های عمومی تقریبا ۲۰ برابر بشوند و تعداد کتابخانه‌ها و امکاناتشان نیز به همان نسبت افزایش یابد. با وضعیت امروز و با توجه به تجربه‌ی سال‌های اخیر، دست یافتن به چنین هدفی اگر غیرممکن نباشد به یک معجزه نیاز دارد. از سوی دیگر فقر کتابخانه‌ها یکی از معضلاتی است که در ایران همیشه مطرح است، آمارها نشان می‌دهد کتابخانه‌های ایران با استانداردهای جهانی فاصله‌ی زیادی دارند. مطابق معیارهای پیشنهادی اتحادیه بین‌المللی انجمن‌های کتابداری» در کشورهای در حال توسعه باید به ازای هر باسواد حداقل یک و نیم جلد کتاب در کتابخانه‌های عمومی وجود داشته باشد. با این حساب لازم است بیش از ۷۹ میلیون جلد کتاب در قفسه کتابخانه‌های ایران جا بگیرد تا کشور به کمترین میزان پیشنهادی شده برای کشورهای در حال

افزایش سرائه مطالعه به عزم جدی سازمانها و نهادهی بسیار زیادی مانند شهرداری ها، وزارت ارشاد، صدا و سیما و… نیاز دارد که هر کدام از این حوزه‌ها با ورود به موضوع مطالعه کتاب و راه‌های ترغیب کردن بیشتر مردم به مطالعه کتاب و فرهنگ کتابخوانی می‌توانند نقش موثری در جهت بهبود شرایط کتابخوانی در جامعه داشته باشند. به عنوان مثال وزارت ارشاد می‌تواند بخشی از هزینه چاپ و نشر کتاب را با سوبسیدهایی که از دولت می‌گیرد، تقبل کند تا از این راه، این محصول فرهنگی با قیمت کمتری به دست مصرف‌کننده برسد و طبیعی است مصرف‌کننده هم وقتی می‌بیند که قیمت کتاب کاهش پیدا کرده، اندک اندک ترغیب می‌شود که آن را به سید کالای خود برگردانده و از آن استفاده کند

توسعه‌برسد.

- علاقه به سرعت: جامعه ایرانی به شدت دچار پدیده ی «علاقه به سرعت» در امور خود شده‌است. شاید فناوری‌های نوین به ویژه استفاده از رایانه و دستگاه‌های جانبی هم در این امر بی‌تاثیر نباشند، اما به هر روی این ویژگی باعث شده است جوانان و سایر رده‌های سنی به جای «تمرکز» روی «سرعت» روی آورند. کتاب به عنوان یک رسانه به ظاهر مفصل و حجیم، جایی در سید اندیشه عصر و نسل حاضر نخواهد داشت و به جای آن «اینترنت» به عنوان یک رسانه در دسترس و آسان با دنیایی از اطلاعات میدان‌دار شده‌است. بی‌اعتنایی به مطالعه کتاب تا آن‌جا پیش‌رفته‌است که شمارگان چاپ کتاب به ۱۰۰ رسیده‌است. کاهش اقبال در مورد روزنامه‌ها و مجلات تخصصی، نیز تقریبا به همین صورت است.

- گرانی کتاب: متأسفانه طی سال‌های اخیر قیمت کاغذ در کشور با رشد وحشتناکی روی روه بوده‌است که همین عامل باعث افزایش قیمت کتاب در کشور شده و با توجه به شرایط اقتصادی کشور موجبات کاهش تمایل خرید و مطالعه مردم را فراهم آورده است.

- فقدان نیاز به مستندات: نکته دیگر را در ویژگی «فقدان نیاز به مستندات» می‌توان جست و با وجود عدم اظهار نظرها ی ما بدون ذکر منبع و ماخذ بیان می‌شود و همین امر باعث کثرت ضرورتی برای مراجعه به منبع پیدا شود. فضای عمومی جامعه و دستگاه‌های فرهنگی، نیز کمتر موضوع مطالعه و کتاب خوانی را مورد توجه قرار می‌دهند.

آیا می‌توانیم سرائه مطالعه ایران را افزایش دهیم!

پاسخ این پرسش بر خلاف چهره ترسناکی که تاکنون در باره عدم مطالعه کتاب در سطح جامعه بیان شد، مثبت است، اما پر واضح است که این موضوع هم مانند مسائل دیگر نیاز به اقداماتی دارد که به صورت خلاصه در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم. مهم‌ترین چیزی که در مورد سرائه مطالعه باید بدانیم این است که خوانندگن مدرسی در سرائه مطالعه کشورها محاسبه می‌کند. مطالعات درسی به رتبه علمی کشورها کمک می‌کند. پس باید در نظر داشته باشیم که برای افزایش سرائه مطالعه باید کتابهای غیردرسی بخوانیم. مطالعه کتاب در رشته‌های گوناگون و تداوم داشتن آن ما را به درجه‌ای می‌رساند که پس از مدتی می‌توانیم خواندن کتابهای خوب را به دیگران هم توصیه کنیم. خیلی‌ها واقعا نمی‌دانند چه خوانند و گرنه نمی‌خوانند. بنابراین صرف تصمیم داشتن به مطالعه برای افزایش میزان سرائه مطالعه کافی نیست، بلکه اینکه بدانیم و این دانش را به دیگران هم انتقال دهیم که چه کتابهایی ارزش مطالعه دارند نکته بسیار مهمی است که نباید آن را از نظر دور نگه داشت. متأسفانه در دنیای امروز به کتاب مانند جنس نگاه می‌شود، یعنی گران و ارزان می‌شود. درست است که کتاب‌ها در مغازه‌ها، کتابفروشی‌ها و اخیرا در سوپرمارکت‌ها و هایپر‌ها به فروش می‌رود اما این به خاطر این است که دسترسی مردم به کتاب آسان‌تر شود. نه اینکه مانند کالا با آنها رفتار کنیم. کتاب، از کاغذ است و کاغذ در درخت است و درخت که موجود زنده است، از طرفی یک انسان یا کوهی از تجربه، آن کاغذها را با افکار خود پر کرده‌است. این روح در کتابها وجود دارند و هر گز نمی‌توان آن را با کالاهای دیگر مقایسه کرد. بنابراین باید این نکته مهم را در نظر داشت که کتاب علیرغم مادی بودن، اساسا نمی‌تواند و نباید به عنوان یک جنس تلقی شود. البته در کنار رعایت کردن این مسائل، افزایش سرائه مطالعه به عزم جدی سازمانها و نهادهی بسیار زیادی مانند شهرداری ها، وزارت ارشاد، صدا و سیما و… نیاز دارد که هر کدام از این حوزه‌ها با ورود به موضوع مطالعه کتاب و راه‌های ترغیب کردن بیشتر مردم به مطالعه کتاب و فرهنگ کتابخوانی می‌توانند نقش موثری در جهت بهبود شرایط کتابخوانی در جامعه داشته باشند. به عنوان مثال وزارت ارشاد می‌تواند بخشی از هزینه چاپ و نشر کتاب را با سوبسیدهایی که از دولت می‌گیرد، تقبل کند تا از این راه، این محصول فرهنگی با قیمت کمتری به دست مصرف‌کننده برسد و طبیعی است مصرف‌کننده هم وقتی می‌بیند که قیمت کتاب کاهش پیدا کرده اندک اندک ترغیب می‌شود که آن را به سید کالای خود برگردانده و از آن استفاده کند.

چگونه بود؟

بازخوردها تا آنجا که من رصد کردم مثبت بودند.

📌 با توجه به شرایط فعلی اکران در ایران چه برنامه‌ای برای نمایش «جنایت بی‌دقت» دارید؟ آیا در سال جاری احتمال اکران وجود و یا آتلای فیلم وجود دارد؟

درباره اکران فیلم «جنایت بی‌دقت» باید بگویم خوشبختانه پخش‌کننده‌هایی در ایران فیلم را دیده‌اند و ابراز تمایل برای پخش فیلم در ایران کرده‌اند. فکر می‌کنم شرایطی که کرونا به سینماها تحمیل کرده است در سراسر دنیا شرایط یکسانی است و امیدوارم سینمای ایران که خیلی وابسته است به مخاطبانی که در سینما فیلم را می‌بینند، زودتر به حالت عادی بازگردد تا همه بتوانند راجع به وضعیت اکران فیلم‌هایشان تصمیم بگیرند. راستش ما به اکران آنلاین این فیلم فکر نکرده‌ایم و امیدوارم فیلم را روی پرده سینما نمایش دهیم اما راجع به زمان اصلا نمی‌توانم نظر دقیقی بدهم و این گرفتاری است که همه فیلم‌های اکران دارند ولی باید دید که اکران‌های ایران همپوشانی با فستیوال‌های خارجی نداشته باشند. بسیار خوشبین هستم که بتوانیم این فیلم را در سال جاری در ایران اکران کنیم. یعنی به سال بعد و اکران آنلاین و سلوغنی احتمالی سال بعد گره نخوریم، از همین الان می‌دانم که تولیدات سال آینده سینمای ایران خیلی تولیدات پرهیجانی برای تماشاگر ایرانی است، چرا که کارگردانان بزرگ و مهم سینمای ایران در حال پیش تولید و تولید فیلم‌های خود هستند، در نتیجه منتظر ماندن برای بازار اکران در سال آینده یک ریسک بزرگ است و باید همین اسمال تلاشمان را برای اکران کنیم.

📌 برنامه‌تان برای ادامه حضور فیلم در جشنواره‌های داخلی و خارجی چیست؟

در مورد جشنواره‌های داخلی باید بگویم که برنامه‌ای برای نمایش این فیلم در جشنواره‌های داخلی نداریم. البته جشنواره‌های هم در حال حاضر نداریم که بتوانم فیلم را در آن نمایش دهیم، جشنواره بین‌المللی فیلم فجر موقی که فیلم من ممکن بود در آن به نمایش درآید تکلیفش معلوم و پرونده آن بسته شد، اما برای فستیوال‌های خارجی برنامه خود منظمی داریم. همان طور که گفتم خاتم میرشرب پخش‌کننده فیلم هستند و با کمپانی «دیریم لب» توافقات خوبی را برای حضور در فستیوال‌های خارجی بسته است. همچنین با یک پخش‌کننده فیلم در فرانسه برای نمایش فیلم در این کشور به توافق رسیدیم‌اند و پخش‌کنندگان دیگری نیز در حال مذاکره است که اخیر آن را کرونا قطع اعلام می‌شود. فکر می‌کنم در حال حاضر با توجه به شرایطی که کرونا فستیوال‌ها را تحمیل کرده است، «جنایت بی‌دقت» خوش شانس بوده که توانسته در فستیوال ونیز به نمایش درآید و احتمالاً در ماه‌های آینده در فستیوال‌های دیگری نیز نمایش داشته باشد و امیدوارم این موفقیت‌ها کمکی شود که مخاطب ایرانی بیشتر ترغیب به تماشای فیلم در ایران شود.

با شهرام مگری از هیجان رونمایی آخرین فیلمش در «ونیز» تا چالش اکران در ایران

«جنایت بی‌دقت» ادامه کارهای قبلی‌ام است



📌 که این اتفاق خوب برای «جنایت بی‌دقت» رخ داد…

بله، در طول برگزاری جشنواره و نمایش فیلم در ونیز، خاتم میرشرب پخش‌کننده بین‌المللی فیلم قراردادی با یک شرکت فرانسوی از طریق شرکت «دیریم لب» امضا کرد که اتفاق خیلی خوبی بود و به نظر من این یک نشان دیگری است برای من که فیلم می‌تواند با مخاطب بین‌المللی ارتباط برقرار کند، از طرف دیگر خیلی به ارتباط فیلم با تماشاچی ایرانی امیدوار هستم و فکر می‌کنم که مطابق معمول احتمالاً نظرات موافق و مخالف برای فیلم شکل می‌گیرد اما فیلم برای مخاطب ایرانی می‌تواند جنبه‌های جذاب بیشتری دارد.

📌 شما در جشنواره ونیز در کنفرانس تولید مشترک هم حضور داشتید و از مزایای تولید مشترک با سینمای ایران صحبت کردید، کمی در این باره توضیح دهید و فکر می‌کنید در شرایط فعلی که ایران دچار تحریم‌های بسیاری شده است، این کنفرانس و صحبت‌هایی که در آن رد و بدل شد تا چه اندازه کمک به جذب سینماگران خارجی برای تولید فیلم در ایران می‌کنند؟

یکی از راهمایی که سینمای امروز دنیا بر اساس آن فعالیت می‌کند تولید مشترک است؛ تولیدات مشترک از دو جنبه بسیار مهم هستند؛ یکی اینکه باعث چرخش اقتصادی بزرگ‌تری در سینما می‌شود و تولید مشترک غالباً بین چند کشور، باعث می‌شود شرایط اکران محصول نهایی بین مخاطبان

فیلم سینمایی «جنایت بی‌دقت» یکی از سه نماینده سینمای ایران در هفتادوهمتین جشنواره بین‌المللی فیلم «ونیز» بود؛ فیلمی که در بخش «فوق‌ها» روی پرده رفت و توانست جایزه بهترین فیلمنامه اورجینال از سوی انجمن منتقدان مستقل را برای نسیم احمدپور و شهرام مگری نویسندگان فیلمنامه این فیلم به ارمان بیاورد. «جنایت بی‌دقت» به کارگردانی شهرام مگری و تهیه‌کنندگی تلکار اسکندررف این جایزه را در بخش جنبی جشنواره ونیز از آن خود کرد. مگری پیش از این و با فیلم «ماهی و گربه» جایزه بهترین فیلم در بخش «فوق‌ها» را در جشنواره فیلم ونیز از آن خود کرده بود؛ جایزه‌ای که امسال دیگر نماینده سینمای ایران یعنی «دشت خاموش» به کارگردانی احمد پسرانی آن را به‌دست آورد. شهرام مگری که پس از پایان جشنواره ونیز در ایتالیا، این روزها در آمریکا به سر می‌برد در گفتگو با مهر از بازتاب‌های حضور نمایندگان سینمای ایران در جشنواره ونیز و همچنین برنامه‌ریزی برای اکران فیلم «جنایت بی‌دقت» در سینماهای ایران می‌گوید.

📌 پیش از صحبت درباره حضور در جشنواره ونیز، ابتدا می‌خواهم درباره فیلم سینمایی «جنایت بی‌دقت» صحبت کنید اینکه فضای این فیلم تا چه اندازه از نظر ساختاری (سکانس پلان) و محتوایی مشابه کارهای قبلی شما است که طبیعتا مخاطبان خاص خود را هم در سینمای ایران دارد.

این فیلم سینمایی به هر حال شبیه و ادامه کارهای قبلی است که انجام داده‌ام، البته شاید بگویم که از نظر اینکه فیلم در یک پلان اتفاق بیفتد مثل کارهای قبلی نیست و روایتش در یک پلان ممتد و بلند نیست. می‌توان گفت فیلم از این نظر متفاوت با ساخته‌های قبلی من است و پلان‌های متعدد و متنوع و لوکیشن‌های مختلفی دارد. اما از نظر اینکه آیا به لحاظ ساختار و یا دغدغه‌های موجود در فیلم شبیه فیلم‌های قبلی است، می‌گویم بله همین گونه است.

📌 این فیلم برای اولین بار در جشنواره فیلم ونیز نمایش داشته و به تعبیری رونمایی شد؛ برداشت خودتان از بازخورد مخاطبان خارجی نسبت به این فیلم چگونه بود؟

هنگام مراحل فنی پایانی فیلم «جنایت بی‌دقت» فرصتی پیدا نشد که بتوانم فیلم را با مخاطب و آزمونایی در ایران ببینم، فقط بچه‌هایی که کارهای فنی فیلم را انجام می‌دادند، فیلم را دیده بودند و با آنها تجربه مشترک تماشای فیلم را داشتیم و همانطور که می‌دانید چنین تجربه‌هایی خیلی نمی‌تواند تجربه‌های دقیقی برای ارزیابی کار باشد. به همین دلیل که کسانی که کارهای فنی فیلم را انجام می‌دهند، به هر حال بریدبردی‌ه و مرتبط با حوزه فعالیت خود بخش‌هایی از کار را دیده‌اند. به همین دلیل «جنایت بی‌دقت» را واقعا برای اولین بار با تماشاچیان خارجی در فستیوال ونیز دیدم و از این بابت که فیلمم را برای اولین بار در کنار تماشاچی غیرایرانی می‌دیدم، این تجربه برای من هیجان‌انگیز بود. چرا که نمی‌دانستم مدل ارتباط آنها با